گفت‌وگوی «جوان» با سرهنگ علی‌حیدر پناهی از راویان خطه کردستان

غائله کردستان پیش از انقلاب در بغداد کلید خورد

■ علیرضا محمدی

اولین بار سرهنگ علی‌حیدر پناهی را در یادمان باشگاه افسران سنندج دیدم. عکس برادر شهیدش حجت‌الله پناهی را مثل مدالی به سینه زده بود و برای خبرنگاران و عموم مردم از وقایع کردستان روایتگری می‌کرد. آنچه در صحبت‌های پناهی با دیگر راویان متفاوت بود، حضور خود او در برخی از وقایع تاریخی بود. پناهی که خود اهل سنندج است، بسیاری از وقایع را به چشم دیده و از این حیث، گفته‌هایش جذابیت‌های خاصی دارد. اگر شما هم دوستدار تاریخ کردستان در اوایل پیروزی انقلاب هستید و قادر به سفر به کردستان و شنیدن روایتگری راویانی چون پناهی نیستید، پیشنهاد می‌کنیم گفت‌وگوی ما با ایشان را بخوانید.

■■■

بعد از پیروزی انقلاب، اغتشاش در کردستان خیلی زود شروع شد. مثل خلع سلاح پادگان مهاباد که چند روز بعد از پیروزی انقلاب صورت گرفت. انگار ضد انقلاب از قبل آمادگی رویارویی با انقلاب را داشتند؟

پادگان مهاباد تنها پنج روز بعد از پیروزی انقلاب خلع سلاح شد. چون شما خواستید بیشتر از ناگفته‌ها بگویم بد نیست چگونگی انجام این واقعه را توضیح دهم. ۲۷ بهمن ماه ۱۳۵۷ عده‌ای از ایادی دموکرات به فرمانده پادگان می‌گویند برای عرض تبریک به مناسبت پیروزی انقلاب خواهند آمد. پادگان مهاباد مقر تیپ سوم از لشکر ۶۴ ارومیه بود. به دلیل سرمای زمستان این عده اسلحه‌هایشان را زیر لباس‌های گرمی که پوشیده بودند مخفی می‌کنند. بعد از ورود به داخل پادگان، در یک موقعیت مناسبت سربازان و افسران را دستگیر می‌کنند و تمامی سلاح‌های پادگان را به یغما می‌برند. همزمان به پاسگاه‌های ژاندارمری شمال کردستان و مناطق کردنشین استان آذربایجان غربی حمله می‌شود. شوخی نیست وقتی مقر یک تیپ خلع سلاح می‌شود، توجهات در تمام کشور جلب می‌گردد، اما اینکه چرا ضدانقلاب اینقدر زود دست به کار شد، ریشه در قبل از پیروزی انقلاب دارد. این را که می‌گویم سندی کتبی در دست نیست، اما از شنیده‌های موثق چنین برمی‌آید که رژیم بعث عراق دو ماه قبل از پیروزی انقلاب از بازماندگان جمهوری مهاباد به سرکردگی قاضی محمد درخواست می‌کند در بغداد جمع شوند. آنها اساسنامه و مرامنامه‌ای به امضا می‌رسانند و متأسفانه در جلساتشان مقابله با انقلابی که هنوز به پیروزی نرسیده بود را نیز تصویب می‌کنند. این شنیده‌ها وقتی قطعیت پیدا می‌کند که می‌بینیم وقایعی مثل حمله به پادگان مهاباد تنها چند روز بعد از پیروزی انقلاب صورت می‌گیرد. امکان نداشت چنین اقداماتی بدون پیش زمینه و قرار و مدارهای قبلی انجام بگیرد.

همان اوایل پیروزی انقلاب هم شاهد هستیم که احزاب زیادی در کردستان یا به سرعت تأسیس می‌شوند یا قد علم می‌کنند. این هم دلیلی است که بگوییم دشمنان انقلاب روی کردستان حساب خاصی باز کرده بودند.

بله، مثلاً حزب کومله که نام آشنایی دارد در سال ۵۷ تشکیل شد. البته ریشه‌های آنها به یک دهه قبل برمی‌گردد. عده‌ای از دانشجویان کُرد که در تهران تحصیل می‌کردند تصمیم می‌گیرند گروهی مبتنی بر اندیشه‌های ناسیونالیستی تشکیل دهند. خیلی از آنها طی سال‌های ۵۲ یا ۵۳ دستگیر می‌شوند. با پیروزی انقلاب همراه دیگر زندانیان سیاسی آزاد می‌شوند و بلافاصله به کردستان می‌آیند و حزب کومله را تشکیل می‌دهند. سرکرده آنها فردی به نام فواد مصطفی سلطانی بود که سال ۵۸ در درگیری با نیروهای انقلاب کشته شد. غیر از کومله و دموکرات که ریشه‌هایشان به قبل از پیروزی انقلاب برمی‌گردد، به سرعت گروه‌های دیگری مثل قارچ در کردستان به وجود آمدند. البته یک عده هم محیط آنجا را برای فعالیت مناسب دیدند و از مناطق دیگری به کردستان آمدند. گروه‌هایی مثل منافقین، چریک‌های فدایی خلق، اقلیت و اکثریت، گروه اشرف دهقان، پیکاری‌ها، گروه خبات که برادر عزالدین حسینی آن را تشکیل داده بود و...

اشاره‌ای به گروه کومله شد. اینها به خشونت شهره بودند. شاید برای خیلی‌ها این سؤال مطرح باشد که چرا کومله‌ای‌ها به خشونت و سرسختی گرایش داشتند؟

روش‌های خشن کومله به ایدئولوژیشان برمی‌گشت. به اصطلاح گفته می‌شد که اینها چپ خشن هستند. حالا بگذریم از اینکه وقتی مائوئیسم بودند و بعد سوسیالیست شدند و رفته‌رفته تغییراتی در اندیشه‌هایشان ایجاد شد. در کل فلسفه مبارزاتی‌شان این بود که باید مثل بولدوزر رو به هدف حرکت کرد. حتی اگر برادرت هم مقابلت بود باید موانع را صاف کنی و به سوی هدف پیش بروی. تندروی کومله باعث می‌شد نه تنها با حکومت مرکزی که خیلی مواقع با سایر گروه‌های کرد هم درگیر شوند. سند داریم که کومله و دموکرات تنها در سال ۵۸، ۱۴۴ بار با هم درگیر شده‌اند. گاهی که امکان توافق می‌رفت، تندروی امثال اینها همه چیز را برهم می‌زد. یک موردش را خودم در جریان توافقی که دموکرات‌ها با مرکز کرده بودند شاهد بودم.

قضیه این توافق و برخورد کومله و دموکرات چه بود؟

در مقطعی گفته می‌شد قاسملو رهبر حزب دموکرات به قم رفته و با حضرت امام دیدار کرده است. گویا امام با برخی از درخواست‌های دموکرات موافقت کرده بودند. به هر حال یادم است که قاسملو مردم را در سالن تختی منطقه فیض‌آباد سنندج جمع کرد و به سخنرانی پرداخت. یک برگه از جیبش خارج کرد و گفت امام با هشت مورد از درخواست‌های ما موافقت کرده است. یکدفعه از این طرف و آن طرف سالن عده‌ای که عموماً از افراد کومله بودند داد زدند: «مرگ بر سازشکار» یا «مرگ بر قاسملو» و همه چیز به هم ریخت. از این دست موارد زیاد است. هرچند دموکرات‌ها هم به اندازه خودشان در وخامت اوضاع مقصر بودند و همانطور که عرض شد بلافاصله بعد از پیروزی انقلاب به پادگان مهاباد حمله کردند، ولی کومله‌ها معمولاً مقابل هر توافقی کارشکنی و روش‌های خشونت‌آمیز را دنبال می‌کردند.

> فلسفه مبارزاتی کومله این بود که باید مثل بولدوزر رو به هدف حرکت کرد. حتی اگر برادرت هم مقابلت بود باید موانع را صاف کنی و به سوی هدف پیش بروی. تندروی کومله باعث می‌شد نه تنها با حکومت مرکزی که خیلی مواقع با سایر گروه‌های کرد هم درگیر شوند

خیلی از نسل جوان شاید از جنایات ضد انقلاب در کردستان خبر نداشته باشند، به عنوان کسی که آن مقطع در مرکز کردستان حضور داشت، چه خاطره‌ای از جنایات ضد انقلاب دارید؟

موارد که بسیارند، اما به عنوان یک مطلع و کسی که شاهد برخی از چنین جنایات بود، این را می‌خواهم بگویم که تأسف اصلی من به خاطر کور بودن این ترورها است. در واقع خشم و تعصب باعث ریخته شدن خون بی‌گناهان بسیاری می‌شد. یک موردش شهادت مصطفی مردوخی فرزند امام جمعه مریوان است. مصطفی فرمانده پیشمرگان دزلی بود. ایشان برای دریافت حقوق نیروهایش که به گمانم آن زمان ۲۰۰ تومان بود به سنندج می‌آید و مجبور می‌شود شب را در خانه یکی از دوستانش بماند. کومله‌ای‌ها که محل او را شناسایی کرده بودند به آنجا می‌روند، او را به اسارت می‌گیرند و به طرز وحشتناکی به شهادت می‌رسانند. من مصطفی را دیده بودم. درس طلبگی را در قم خوانده بود. جوانی بسیار شایسته که تنها به خدمت به ایران و اسلام فکر می‌کرد. یا نیروهای جهاد برای سازندگی به کردستان می‌آمدند، ولی تعصب کور برخی از افراد باعث می‌شد به آنها نیز حمله شود و تعداد قابل توجهی از نیروهای جهاد سازندگی به شهادت می‌رسیدند. اینها باعث تأسف عموم مردم کردستان هم می‌شد.

در کردستان برخی جذب ضدانقلاب می‌شدند و برخی از انقلاب دفاع می‌کردند. مثال واضحش پیشمرگ‌های کرد مسلمان بودند که پیشمرگ رزمندگان و مردم می‌شدند. می‌توانیم بگوییم یک دوگانگی در آن خطه وجود داشت؟

خیر دوگانگی نبود. نداشتن آگاهی سیاسی عموم مردم، باعث گرایش برخی از آنها به گروهک‌های ضدانقلاب می‌شد. خیلی پیش می‌آمد که مثلاً یک عضو خانواده‌ای به عضویت یکی از گروهک‌ها درمی‌آمد، متعاقبش اعضای دیگر خانواده بی‌آنکه از ماهیت گروه مورد نظر چیزی بدانند، عضو آن می‌شدند. بدون اینکه بدانند چریک، دموکرات یا کومله چیست، عضوش می‌شدند. یا حتی پیش می‌آمد در یک خانواده دو برادر عضو گروه‌های متفاوت می‌شدند. یکی عضو این گروه می‌شد و دیگری عضو گروه دیگر. دلیلش هم این بود که هر کدام از این دو برادر تحت تأثیر دوستان خودشان قرار می‌گرفتند. در کل آن زمان اغلب مردم بیسواد بودند و درک واقعیت برای خیلی‌ها کار سختی بود. گروهک‌ها هم از این عدم آگاهی سوءاستفاده می‌کردند.

کمی فضای گفت‌وگو را تغییر دهیم. شما که بازنشسته ارتش هستید چطور راوی یادمان باشگاه افسران شدید؟

من به بازگو کردن تاریخ علاقه‌مند هستم. حقایقی هستند که باید به نسل جوان منتقل شوند. به همین دلیل چند سالی است که به عنوان بسیجی در سازمان بسیج پیشکسوتان استان فعالیت می‌کنم و به یاد و نام دوستان و همرزمان شهیدم به عنوان خادم الشهدا در یادمان‌های دفاع مقدس استان به روایتگری می‌پردازم. به امید اینکه بتوانم گوشه‌ای از حماسه‌آفرینی رزمندگان را برای نسل جوان روایت کنم. باشگاه افسران که عموماً آنجا مستقر می‌شوم، یک محل مقدس است. این مکان به مدت ۳۳ روز در محاصره گروهک‌ها قرار داشت و ۴۱ نفر از رزمندگان اسلام با تمام توان خود در برابر گروهک‌ها ایستادگی کردند. به همین علت امروز باشگاه افسران به عنوان نماد ایستادگی و مقاومت مردم کردستان شناخته می‌شود. رزمندگانی که اینجا مستقر بودند به دلیل محاصره ضدانقلاب با آب باران تشنگی‌شان را رفع می‌کردند. اگر آنها مقاومت نمی‌کردند، مطمئناً باشگاه سقوط می‌کرد و با سقوط باشگاه، شهر سنندج آزاد نمی‌شد و این روند می‌توانست برای انقلاب خطرناک باشد، ولی مقاومت جانانه این رزمندگان و اهدای هشت شهید گرانقدر در این محل توانست روند شکست ضدانقلاب را در کردستان سرعت بخشد.

در طول خدمتتان در کردستان با چه شهدایی همرزم بودید؟

از چهره‌های شناخته شده می‌توانم به شهیدان محمد بروجردی، حاج عباس کریمی، رضا چراغی، محمود کاوه، امیر سپهبد علی صیاد شیرازی، شهید دستواره، شهید شهرامفر و جاویدالاثر حاج احمد متوسلیان اشاره کنم.

گویا برادرتان هم از شهدای دفاع مقدس هستند. خوب است یادکردی از ایشان داشته باشیم.

حجت‌الله متولد دهم آبان ماه ۱۳۳۶ بود. ما اهل قروه هستیم. حجت‌الله هم دوران ابتدایی و راهنمایی را در قروه گذراند و سال ۵۶ برای خدمت سربازی از طریق ژاندارمری اعزام شد. در پادگان نوژه همدان خدمت می‌کرد. یک ماه قبل از اینکه خدمتش تمام شود به دستور امام از پادگان فرار کرد. بعد از پیروزی انقلاب و در سال ۱۳۵۸ به عضویت کمیته انقلاب اسلامی منطقه ۷ تهران درآمد و در ستاد عملیاتی منطقه مشغول فعالیت شد تا اینکه جنگ شروع شد. از همان اولین روزهای جنگ داوطلبانه به جبهه رفت و نهایتاً ۲۸ مهرماه در خرمشهر بر اثر اصابت ترکش گلوله خمپاره به سر و گردنش به شهادت رسید. نامش به عنوان اولین شهید شهرستان قروه ثبت شد. من سه شبانه‌روز در داخل خرابه‌های خرمشهر به دنبال پیکر برادر شهیدم گشتم تا توانستم جنازه‌اش را پیدا کنم.

گزارش

۱۳ شهید مدافع حرمی که در یک روز آذرماهی آسمانی شدند

زمانی برای پرواز پرستوهای عاشق

■ احمد محمد تبریزی

آذر ماه سه سال پیش یکی از روزهای سخت رزمندگان مدافعان حرم بود. در روزهایی که تروریست‌های داعشی با حملاتی وحشیانه به دنبال ناامن کردن کشورهای اسلامی بودند، رزمندگان جبهه مقاومت اسلامی با ایستادگی مقابلشان اجازه عرض اندام به آنها نمی‌دادند. مدافعان حرم با چشم می‌دیدند که لشکر دشمن چه بیرحمانه می‌تازد و هر چه جلویشان باشد را نابود می‌کند. آنها آن روز «هل من ناصر ینصرنی» را شنیدند و با شجاعت و ایثارشان مقابل تروریست‌های تکفیری ایستادگی کردند.

■■■

پاییز سال ۱۳۹۴ سال سختی برای رزمندگان بود. درگیری‌های شدیدی بین رزمندگان و تروریست‌ها در سوریه در گرفته بود. نیروهای تکفیری به دنبال اشغال بخش‌های بیشتری از خاک سوریه بودند. در محرم آن سال عملیاتی با هدف بازپس‌گیری مناطق اشغال شده اطراف حلب و ضربه به نیروهای تکفیری وهابی همزمان با ایام محرم آغاز شد. مناطق جنوبی و شرقی حلب محل اصلی درگیری‌ها بود و در طول عملیات رزمندگان شهدای زیادی را تقدیم اسلام کردند. با این وجود، پیروزی از آن جبهه مقاومت بود. تنها در ۱۶ آذر همان سال ۱۳ رزمنده مدافع حرم به شهادت رسیدند تا یکی از سرخ‌ترین ایام جبهه مقاومت اسلامی برای کشورمان رقم بخورد. تروریست‌ها با اشغال شهرهای بزرگ سوریه به دنبال رسیدن به مرزهای ایران و ناامن کردن کشورمان بودند. توطئه‌هایی که هیچ‌گاه رنگ واقعیت نگرفت و در نطفه خفه شد.

شهید شیخ‌الاسلام

شهید مرادخانی

> در ۱۶ آذر سه سال پیش ۱۳ رزمنده مدافع حرم به شهادت رسیدند تا یکی از سرخ‌ترین ایام جبهه مقاومت اسلامی برای کشورمان رقم بخورد. تروریست‌ها به دنبال رسیدن به مرزهای ایران و ناامن کردن کشورمان بودند. توطئه‌هایی که هیچ‌گاه رنگ واقعیت نگرفت و در نطفه خفه شد

۱۳ شهید مدافع حرم روز ۱۶ آذر ۱۳۹۴ را انسان‌های بزرگ، پاک و ایثارگری تشکیل می‌دادند.

شهید محرمعلی مرادخانی یکی از همین نیروها بود. این جانباز دفاع مقدس، پس از بازنشستگی زمانی که تکفیری‌ها به دنبال تخریب حرم اهل‌بیت(ع) بودند، خودش را خسته‌گی‌ناپذیر به جمع مدافعان حرم رساند. شجاعتش زبانزد همرزمانش بود و باعث می‌شد در مواجهه با خطر نترسد و پیشقدم شود.

شهید مرتضی زارع یکی دیگر از شهدای واقعه ۱۶ آذر در زمان شهادت، دانشجوی رشته مدیریت دولتی دانشگاه پیام نور دولت آباد بود. وقتی خبر اعزام به او اعلام شد، شور و شعف خاصی در دلش ایجاد شد. خودش می‌گفت نمی‌دانم یک احساس شعف خاصی در درونم هست. ساکش را که متعلق به شهید صولت‌نیا بود بست و راهی سفری عاشقانه شد.

شهید یحیی براتی از نیروهای باسابقه سپاه بود که عشق به شهادت درونش شعله می‌کشید. به شهدای دفاع مقدس غبطه می‌خورد و وقتی دلش می‌گرفت سر مزار شهدا می‌رفت و می‌گفت من از شهدا جا مانده‌ام و امیدوارم شهدا دستم را بگیرند. شهید براتی بالاخره به آرزوی دیرینه‌اش رسید و به دوستان شهیدش پیوست. جوان ورزشکار و تحصیلکرده شمالی شهید مصطفی شیخ‌الاسلامی یکی دیگر از شهداست. شهید تحصیلاتش را تا مقطع فوق لیسانس در رشته مهندسی برق ادامه داده بود و در رشته جودو مقام‌های کشوری و استانی داشت. شهید روح‌الله صحرایی نیز که لیسانس حقوقش را از دانشگاه فرهنگ هنر آمل گرفته بود همراه شهید شیخ‌الاسلامی به شهادت رسید.

شهید مهدی قاضی خانی یکی دیگر از این ۱۳ شهید عقیده داشت اگر نروم دشمن داخل خاک ما می‌آید. شهید سجاد مرادی که سال ۱۳۹۰ با حمله ضدانقلاب و گروهک پژاک به کردستان عازم شده بود، سال ۱۳۹۴ نیز رخت مدافعان حرم را پوشید و در منطقه خلصه حلب در اثر اصابت موشک عناصر کتائب ثوار الشام و برخورد ترکش به پشت سر به شهادت رسید.

اولین شهید مدافع حرم شهرستان نکا، شهید عبدالرحیم فیروزآبادی یکی دیگر از همین شهداست. عضو سپاه پاسداران بود و در گردان صابرین لشکر عملیاتی ۲۵ کربلا خدمت می‌کرد که توسط تروریست‌های تکفیری به شهادت رسید.

شهید حبیب روحی چوکامی، شهید احمد قاسم کرانی، شهید سیدمجتبی ابوالقاسمی، شهید احسان فتحی چم‌خانی و شهید سیداصغر فاطمی تبار دیگر شهدای مدافع حرم آن روز هستند. حالا برگه‌های تقویم برایمان یادآور مسائل دیگری هستند. آذر که به میانه می‌رسد، در میان تمام مناسبت‌هایش دلمان برای شهدای مدافع حرم هم پر می‌کشد. یاد و نامشان در دلمان زنده می‌شود و به یاد می‌آوریم در روزهای سرد پاییز و با وجود تمام سختی‌ها چه عاشقانه به دیدار معبود شتافتند.

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۵۳۹

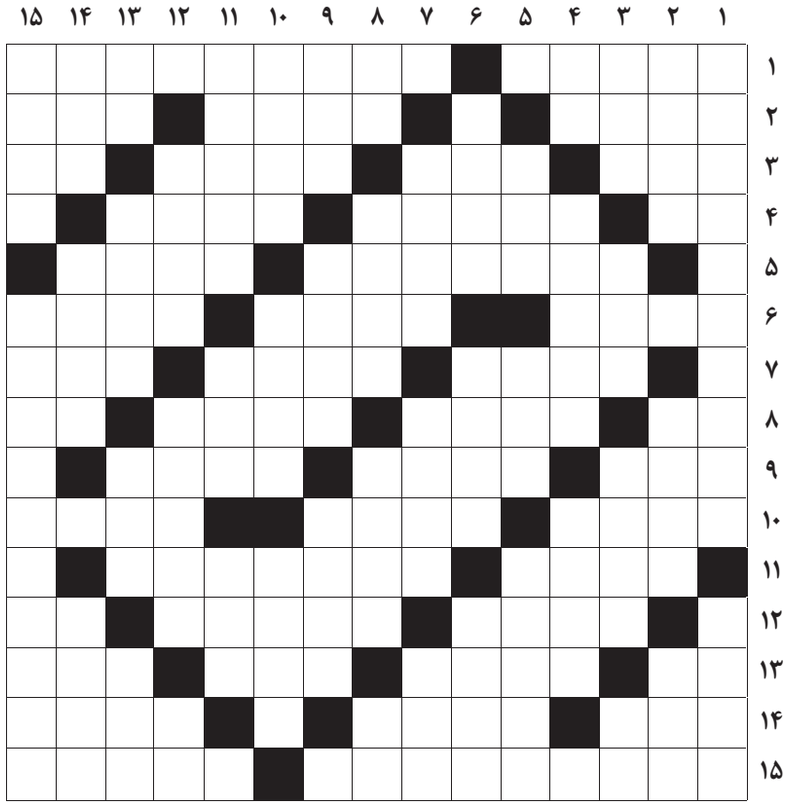

از راست به چپ

■ ۱- بی بصیر- پایتخت پاکستان ■ ۲- مأمور شهربانی- نام دیگر سوره غافر- فارسی قدیم ■ ۳- قاصد- از تمدن‌های باستانی- نمونک- تصدیق روسی ■ ۴- پول ژاپن- پرنده‌ای کوچک و خوش‌آواز شبیه گنجشک- بانی پروتستانتیسم ■ ۵- شست‌وشوی با عجله و سرسری- کوسه جنوبی‌ها ■ ۶- غذای مجردی- روشی در تولید آثار تجسمی- فیلم ملاقلی پور ■ ۷- پرخور- سوگند- از اصول دین ■ ۸- تیر پیکاندار- فیلمی به کارگردانی محمد درمنش- واحدی در طول فرنگی- سخنی که در آن حلاوت دیگری است ■ ۹- مجلس اعیان- پول آذربایجان- کودتای معروف ■ ۱۰- آتش‌پرست- حمام ورزشکار- پاندول ■ ۱۱- تیم فوتبالی در انگلیس- بیماری دوازده درصد مردم ایران ■ ۱۲- گاز تبلیغاتی- لیست- دزد ■ ۱۳- بازیگر هالیوودی با نام جانی- هدف و مقصود- کف دست- وسنی ■ ۱۴- فلز آلوده کننده هوا- بی پدر- حمیت ■ ۱۵- گیاهی معطر و طبی از تیره نعناعیان- از همزبانی خوشتر است

از بالا به پایین

■ ۱- نظام سرمایه‌داری- شهری در اوکراین ■ ۲- از بین بردن علف‌های هرز کشاورزی- کالای خراب و بی مصرف- حرکتی در وزنه‌برداری ■ ۳- گوسفند جنگی- گلاب نشده- منطقه‌ای در شمال تهران- مرغابی ■ ۴- رود آرام- ماشین حساب قدیمی- بدن از آن برای کنترل فشار خون و حجم خون استفاده می‌کند ■ ۵- رودست خوردن- مرد بی زن- پرجمعیت‌ترین شهر سوئیس ■ ۶- غذای زندانیان- شهری در فرانسه- بدذات و خبیث ■ ۷- سلاح پرتابی- مکان و آشیان- نگاه و نظر ■ ۸- زهر- بیابانگرد- عمل دم و بازدم- ترک استخوان ■ ۹- ملامت- تیرانداز- نام زن فرعون عصر حضرت موسی ■ ۱۰- آرزوها- خشمگین- ربط‌دهنده ■ ۱۱- رنج‌دیده- سرکش و یاغی- از معیارهای ساده و مفید سنجش ■ ۱۲- باقی‌مانده حساب- هافبک تیم ملی ایران- اندوه ■ ۱۳- ناپسند- فصل بهار- جواب «های»- خرمن بر باد ده ■ ۱۴- گندم سوده‌شده- ابله- یار هاردی ■ ۱۵- وطن- هر صدای بدی که انسان را آزار دهد

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

					۳		۶	۷
۹	۸	۲						
				۱	۲			
			۷			۴	۲	۳
	۶							
		۳				۹		
						۳	۷	۹
۵				۶	۱			
۴		۹						

جدول کلمات متقاطع
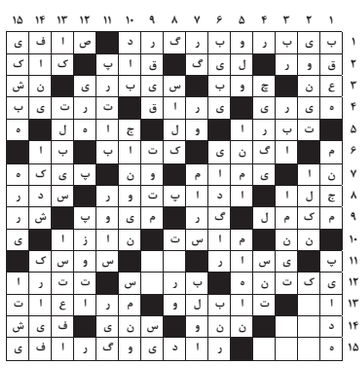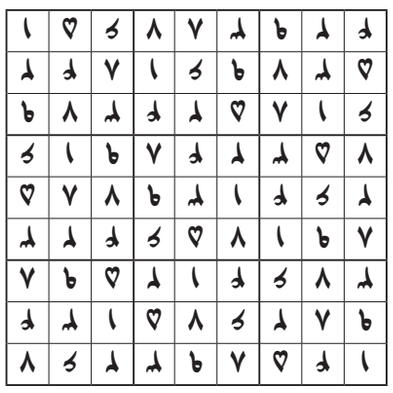
پاسخ جدول شماره ۵۵۳۸